

«حلقات»

درس 48

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای طیبی

مقدمه

در درس گذشته پیرامون موضوع حکم حجیت خبر واحد، سه نظریه از محقق اصفهانی، محقق نائینی و مرحوم شهید صدر(ره) مطرح شد و تفاوت هر سه نظریه نسبت به شرایط تحقق موضوع بیان گردید.

از این درس به بعد، به نقد نظریه‌های مخالف دیدگاه شهید صدر(ره) می‌پردازیم. در این درس نقد نظریه محقق اصفهانی بیان می‌شود و در درس‌های آینده پیرامون نظریه محقق نائینی بحث خواهد شد.

هدف از فراگیری این درس آشنایی با نظریه صحیح در باب تشخیص موضوع حجیت ظواهر است.

متن درس

و التحقيق في تمحيص هذه الاحتمالات، ان الاحتمال الأول ساقط لأن المقصود من حجية الظهور، تعيين مراد المتكلم بظهور كلامه و هي انما تناط عقلائياً بالحيثية الكاشفة عن هذا المقصود إذ ليس مبنى العقلاء في الحجية على التعبد المحض، و ما يكشف عن المراد ليس هو الظهور التصوري، بل التصديقي فإناطة الحجية بغير حيثية الكشف بلا موجب عقلائياً فيتعين ان يكون موضوع الحجية هو الظهور التصديقي.

یادآوری : در بحث حجیت ظواهر، برای تشخیص موضوع حکم حجیت ظواهر سه نظریه را ذکر کردیم. احتمال سوم در این باب، نظریه شهید صدر(ره) بود که موضوع را ظهور تصدیقی با عدم علم به قرینه منفصله، می دانستند.

برای تحقق موضوع طبق این دیدگاه، احراز عدم قرینه متصله لازم بود. چون جزء اول موضوع یعنی ظهور تصدیقی، وقتی شکل می گیرد که کلام کاملاً منعقد شده باشد و هیچ گونه احتمال قویانه متصله‌ای در کلام نباشد.

احراز عدم قرینه متصله از دو راه ممکن است: قطع به عدم قرینه متصله قطع و یقین پیدا کنیم (قطع وجدانی) یا اصل عدم قرینه را اجرا کنیم. (اصل عقلائی).

Sco1: 6:41

اثبات نظریه سوم

برای اثبات نظریه سوم (دیدگاه شهید صدر (ره)) باید دو نظریه دیگر رد شوند. برای این کار:

1. مرحله نخست، نظریه اول «محقق اصفهانی» را بررسی کرده و رد می کنیم.
 2. در مرحله دوم، نظریه دوم (محقق نائینی) را مورد نقد قرار می دهیم.
- با رد این دو نظریه، دیدگاه شهید صدر(ره) به عنوان نظریه صحیح، ثابت می شود.

مرحله نخست ؛ رد نظریه محقق اصفهانی

محقق اصفهانی موضوع حکم حجیت را ظهور تصویری با عدم علم به قرینه، قرار دادند.

نکته: قبل از نقد و بررسی این دیدگاه : ذکر چند نکته لازم است :

1. احکامی که مولا جعل می کند بر دو قسم است:

احکام تعبدی: احکامی هستند که ملاک روشنی برای مکلف ندارند، و علت و مناط جعلشان - که همان مصلحت یا مفسده‌ای است که احکام بر آنها مترتب می شوند - برای مکلف مشخص نیست، بلکه مکلف آنها را فقط برای اطاعت از مولا انجام می دهد. **احکام غیر تعبدی:** احکامی که مکلف، مناط و علت، جعل حکم در آنها را می داند و به مصالح و مفاسدی که حکم از آنها نشأت گرفته، آگاه است. برای مثال اگر مولا به عبدش امر کند که به گل‌های باغچه آب بدهد، عبد می داند که آب دادن به گل‌ها برای حیات آنها ضروری است.

2 احکام و قوانین نانوشته و مشترک، فراوانی در بین عقلای دنیا - با هر ملیت و مذهبی - وجود دارد که آنها را در سیره خود بکار می گیرند.

3. همه احکام عقلایی، دارای مناط و علت واضح هستند و هیچ کدام از آنها جنبه تعبدی ندارد.

دلیل : چون احکام تعبدی نیاز به یک مولا دارند تا برای مکلف جعل حکم کند، اما عقلا بدون لحاظ جنبه تدین و ... در آنها (عقلا بما هم عقلا)، به هیچ مولایی تعبد و تعهد ندارند و بر اساس خرد خودشان حکم صادر می کنند. البته در برخی موارد که احکام عقلا، ناقص و ظنی است، سیره عقلا در این احکام، مورد تأیید شرع نیست، مثل رباخواری، عمل به قیاس و ...

Sco2:12:14

نتیجه از مقدمات مذکوره

حجیت ظواهر یکی از احکام عقلایی است و عقلا برای کشف مراد متکلم، به ظاهر کلام او تمسک می کنند. لذا بر متکلم واجب است که الفاظ را به گونه‌ای بکار گیرد که معنای ظاهر آنها با مرادش انطباق داشته باشد.

موضوع حکم حجیت؛ ظهور تصدیقی

برای اثبات موضوع بودن ظهور تصدیقی نیاز به چند مقدمه داریم:

1. از آنجا که همه احکام و قوانین عقلاء غیرتبعیدی هستند و علت مشخصی دارند، در این قانون عقلایی (حجیت ظواهر) نیز باید جعل حکم دارای ملاک و علت مشخصی باشد.
2. وجود علت مشخص برای حکم بدین خاطر است که بین موضوع حکم و خود حکم، سنخیت وجود دارد. مثلاً: اگر عقلاً می‌گویند "دزدی حرام است"، بدین علت است که سرقت از حیث مفسده داشتن متناسب با حرمت است، لذا حکم حرمت بر سرقت نیز مترتب شده است.

3. در قضیه "ظاهر کلام کاشف از مراد متکلم (حجت) است" باید بین ظاهر کلام و کشف مراد متکلم یک نسبت برقرار باشد و ظاهر کلام نیز دارای بعد کاشفیت از مراد متکلم باشد تا عقلاً آن ظاهر را حجت بدانند. بنابراین هرگاه بین حجیت (تعیین مراد متکلم) و ظهوری که موضوع این حجیت است، سنخیتی وجود داشته باشد، حکم حجیت مترتب می‌شود.
- نتیجه:** حال که برای ترتب حکم حجیت، نیاز به بعد کشفیت از مراد متکلم توسط ظاهر کلام داریم، نتیجه می‌گیریم که:

1. ظهور تصدیقی می‌تواند واجد بعد کاشفیت از مراد متکلم باشد، چون فقط با این ظهور غرض جدی متکلم نمایان می‌شود.
2. ظهور تصویری صرفاً یک تداعی و خطور معنا هنگام شنیدن لفظ است و جنبه کاشفیتی ندارد، لذا اگر از غیر ذی‌شعور هم کلامی را بشنویم ظهور تصویری حاصل خواهد شد. این در حالی است که صاحب کلام مرادی نداشته که لفظ از آن کاشف باشد. به طور کلی کشف همان تصدیق است و تصدیق با تصور متفاوت است.

نتیجه مرحله نخست

مبنای محقق اصفهانی که ظهور تصویری (یا بنابر قول خودشان ظهور وضعی ذاتی) را
موضوع حکم حجیت می‌دانست، مردود است؛ چون ظهور تصدیقی است که جنبه کشف از
مراد متکلم دارد و تناسب با حجیت (تعیین مراد متکلم) دارد، پس موضوع حجیت است.
Sco3:22: 37

چکیده

1. برای اثبات نظریه سوم (دیدگاه شهید صدر (ره))، دو نظریه دیگر را در دو مرحله رد می‌کنیم.
2. احکام تعبدی، احکامی هستند که در آنها، ملاک و علت جعل حکم برای مکلف روشن نیست و مکلف آنها را به خاطر اطاعت مولا انجام می‌دهد.
3. احکام غیر تعبدی، احکامی هستند که مناط و علت جعل حکم در آنها برای مکلف آشکار است.
4. احکام عقلایی، از نوع احکام غیر تعبدی هستند و چون احکام تعبدی نیاز به مولا دارند، حکم عقلی که تعهد به هیچ مولایی ندارد، نمی‌تواند تعبدی باشد.
5. حجیت ظواهر یکی از احکام عقلایی است. از این رو جعل حکم در این قضیه دارای ملاک و علت مشخصی می‌باشد.
6. باید بین ظاهر کلام و کشف مراد متکلم نسبتی برقرار باشد و ظاهر کلام دارای بعد کاشفیت از مراد متکلم باشد تا عقلاً آن ظاهر را حجت بدانند.
7. ظهور تصدیقی دارای بعد کاشفیت از مراد متکلم است؛ پس می‌تواند موضوع حکم حجیت باشد.
8. ظهور تصویری دارای بعد کاشفیت نیست و فقط خطوط و تداعی معنا، هنگام شنیدن لفظ است. بنابراین دیدگاه محقق اصفهانی مردود است.